

بِنَامِ خَدا

کاربرد زبان در سنت

یادگیری و رشد زبان در لودک

دیره دانشگاه فردیس

بر دین تحسید باشی

برگرفته از

زبان و فلسفه ایرانی محمد رفیع

لشکری

فاسیمیلی

مرا

یادگیری و رشد زبان در مود

مطالعه است زبان شناسی را از تصریز مان به درسته می توان یاد نهاد

هم زمانی در روز بماند. در زمان شناسی «هم زمان» به تحول زمان در محوال زمان

ترجیحی می شود بکسر زمان در بیک زمان میان اعماق از گذشتگی حال، هم در مطالعه

قرار می گیرد، بر عکس در زمان شناسی در زمانی، زمان مایبود است، در این هفته

از زمان شناسی بیشتر تحول و تغییرات زمان در محوال زمان توجه می شود. زمان

در زمانی را می توان به دو شاخه بود، تر تغییریم که زمان شناسی فردی و

زمان شناسی مارکسی.

در زمان شناسی فردی یادگیری و رشد زمان در فرد از هفتم تولد تا هفدهم

هرگز هم روحیت ایست، ولی در زمان شناسی مارکسی، تحول و تغییرات زمان در مطالعه

حیات مسلسل همی پی در پی هم در مطالعه تراویگی گیرد. بنابراین برای فرد یادگیری و

رشد زمان را بگوییم به شاخه بی زمان شناسی فردی از زمان شناسی در زمانی

و ایستادست دم توان آن را به بیچ مرحله تقسیم کرد.

مرحله اول: کودک در هفتم تولد برای آموزش زمان استعدادی می دارد

که از طریق توارث به ادمیت شده است ولی در این وقت بالغیل نهاد

۸۰

می راند و نه می تواند لز طبق همچو دستگاه ارسانی هر آر داری با اطرافیان خود

ارسال طبری را رکن. اول در آغاز فقط می تواند در تعامل محکمی طبعی میش

گردنی، در درود مانند این و مانند دند. واللش کمی از در این مرحله بسیار رایج نیست،

مانند حركت دارن درست یا همچو نیاب دارن به بدن خنثه هر قدر ساقهای عصبی

کوک ماملہ سُور، بندیج وائلر کی روشنی میں سُور وہ جان نہیں نظر

ہجیدہ و اصحابِ کریم سردار

مرحله درم: در این مرحله می‌لود که مادر بایست از طریق علاوه بر

نمایندگی قراردادی را زندگانی ارتباط بقرارداد می‌سور. این علامت هاندن محمل خاصی

می شوند و عانی نسخه ۲ را برمی آنلاین نمایند. البته این عدم غیرزنی بانی هسته محدود در مرحله

اول لودن در مقابل هر نوع مجرمیت او را برآورده نماید، ولی در این مرحله

یاد می شود که در مسائل محاسبه میانگین مختلف متفاوت است.

مَدْنَ اَرْتَ بُرْدَلْ بِرْعَنْزَانْ بِرْعَلَمَتْ قَرَارَدَارِيْ مَارْكَسِرَدَلْهَ حَرَدَفَتْ مَادَرْ

حکم المحام ضرب ملی روی شانسی اوزده او بر آن هر خد را مهد

او را در گواهی لذاتیست بخواهد و مانند آن.

آموخته شد راهیه، چیزی بین محرك یا سخن به کسی نیست. در مرحله اول "لودر" معامل اکثر محرك ها در نوع آرمه ای کند، در مرحله دوم در معامل محرك ها مختلف

<div متفاوت ترین کندویی را از هر چیزی در دنگه مادرستی و کریه گذاشتم"!

حالی نه دقت لودل بزیں سال زبان را بہ کار میں برد و می گویید "من گر لندہ ام" ۱۰۷

بن رنسنگی به عنوان محل این جمله به عنوان یادخواه همچ را طبق طبعی و خود نهاده

کودک نوزاد امتحان به جای کرسی نه با کرسی میز طبیعی دار رحیمی «من

گردنام» را به کارهای پردازشی آن باگرسنی صدر رصد فرا رهاری می‌داند.

۲- در این مرحله ممکن است سیگرک و یا سینخ شایع طاهری وجود داشته باشد.

مترا" وقت فار روی سانه‌ی کودک را می‌زند و بودل به بکارهای گردید، بن

ضریب مادر و لشک نو دل ستا بہ فزی عی و جود رار دد، در حکمی نه سین جمه «مادر بیگر» و لشک نو دل صحیح ستا سی و خود ندارد.

۳- در این مرحله راهنمایی محکم و یا نیخ لازرعان و میکار گنجیده است: لودن راهنمایی

می تواند از گزینه فرمادسته باشد که داده ای از مسنه باشد. در حالی که نویسنده

زبان امروخته می توانند وقتی همیز افکری رسانی می خوردند - مگرید «من رسانه ام»

۳- تفاهم مادر و بودک در این مرحله بین این دو علاوه بر این می توانند - وقتی زبان امروخته می تواند باشد، مادر و بودک برای ارتباط باشد باید بیش از علاوه بر این می توانند استفاده کنند. مثلاً وقتی رسانه باشد هر دوی بودند: «من رسانه ام»، دوی در این مرحله می خوردند استفاده از علاوه بر این می توانند: «من رسانه ام»، دوی در این مرحله می خوردند بودک فیگر در دوی اگر بودک پسین کاری بیند مادر حکمت متابه ای انجام نمی رعده

مرحله سوم آشنایی زبانی:

این مرحله را می توان به روایت تسلیم کرد: الف: بودک چونه با علاوه بر این آشناشی شود و چونه این علاوه برای او معنی پیدا می نماید و ب: بودک چونه بازگردید و خود را این علاوه را می خورد. حسنه اول را جنسه پیدا و حسنه دوم را حسنه عال می نویند، البته این دو حسنه را می توان از بعد از مادر اگر در دوی توجه بر این دو حسنه می توانند برای مطالعه بارگیری زبان در بودک مغایر واقع شود، با این داشت که حسنه پیدا برای زبان ممکن است بر حسنه عال آن پس از پیدا و مادر از اطراف این مفهوم ممکن است باشود، با این حرف می نماید. البته در اعماق بودک معنی احصوات یا لغته های آشنا را می نماید و این پیدا و مادر و اطراف این

برای این امر ترجمه می‌کنند لکن لایه ای باشد معنی لغتی کی آن را می‌نگیرند یا آن را نمی‌شنوند
لهمچو کردن با اراده می‌ریزند. جایی خوش رفتی است که افراد این بزرگی‌ها را
در این مورد واقع بین سهان می‌دهند زیرا اگر واقع می‌بودند درین راسته به بود
از لغتی کی آنها چیزی می‌دانند که کردن با اورا هم‌وقوف می‌کردند و بین ترتیب
کوچک چیزی که از زبان می‌آمده است.

کوچک تعبارت اصوات زبانی بزرگ‌لایه را می‌گیرند با اینها، و مایع وی را خود را
جیان بینند اورا کی می‌کنند. هر چیز را که عجیب می‌شود، این اصوات
روی ریشه عجیب لفظ نمایند و رفتارهای رفتارهای می‌شوند. این
و اصوات زبانی بزرگ‌لایه را روزی این پیش‌بینی برقراری می‌شود و هر چیز تعبارت
کسرده تر و لاس از بازیان بیشتر می‌شود، این پیش‌بینی رفتارهای ایشان می‌شوند. اینها
نایابی ای اکثر می‌باشند لکه رفتارهای باطنی خود و پایانی های طبی که می‌شوند
اصوات زبان از طبق این پیش‌بینی مانوی قدرت اگریزی خود های طبی
و خود متناسب می‌کنند و این میان پایانی را برمی‌گیرند.

مثل هر وقت بود که از روی گرسنگی تریکی می‌کنند، همچنین امر مادری اورا

و سبزید و گرسنه ای، شرم خواهی ... و بطری سیر را به راه ران او نمی‌گیرد. بیکم

و هدف اول معنی این صدای را می تهدی و می چون ارتباط بین گرسنگ و طریق است
و هدف ای دیگر اتفاق می افتد، رفته رفته بین گرسنگ و گرسنگ بعنوان مجرک طبیعی
و صفاتی "گرسنگ" و "گرسنگ" از یک طرف و بین تیره عینان یک ماره مفهومی
و از طرف ای دیگر از طرف ریشه را بقای ای شود و بدین ترتیب مفهومی
پیروی نشود و صفاتی پذیرای زبان در بود و استدای ناید.

حنیه عال زبان اموزی بر اساس تعلیم قرار دارد. نیروی تعلیم در این
سن بعنوان عامل بسیار مخصوصی در بیان دلیری زبان و بیان دلیری حی دیگر
ظاهر می شود. حوزه به این سوال پاسخ مطعی می توان داد که حی ای دیگر
تقدیر می نمایند و ای تقدیر بنا بر عزیزی دارد یانه، ولی آنکه مسلم است بود
در این سن تقدیر می نمایند و تقدیر عامل بسیار مخصوصی در بیان دلیری حنیه عال
زبان است. بود، اهدای اطرافیان را تقدیر می نمایند بدون این
مخصوصی را شناخته باشند و بدون این که به خوبی از عزیزه بگاید. ولی این
و ما را بخوبی می نامیم که بود را بعیسی می نمایند و در مقابل آن
و انش می کنند. و انش می بیند اطرافیان باعث می شود که بیویند بین
علام زبانی و بیویندی کی می کند که دلالت می نمایند تقویت سود.

روتختیه کود بر تدیج بازی نیز در نه صورت چیزی خواست به جای این

گریزند با خودش را هدایت دهد. مهان اصرات بزرگسالان را لذت خود در آور

مرحله چهارم قرینه سازی

در مرافق اولیه صدای بی نهودی به عنوان علامت زبانی به جای

از علمه به معنی من آن ساقه نشده اند، زیرا صدیه واحدی است که جی تراند

در رافق داده ای با لاتر رجیه ترکیب سرور، دل علامت زبانی به نهود

مرافق اولیه به کار می برد و این علمه بجزیره پایز بری می شدند که هر کدام به عنوان

یک علمه به کار می روند. نهود رفته رفته صدای ای ری شبیه همایات زبان به کام

می برد وی از آن همایات گترده تری مرادی نند. مثلاً میشان است بگوید *«ما می*

دی مخصوصی که از این همایه مرادی نند معنی عبارتی کامل «هایان آمد» با نظر

آن شد. به تدیج نهود می آموزد له عبارت چیزی بزرگ آری به کار برده

این عبارت چیزی قابل بجزیره نشند نهایا نهود آن چیزی قابلی یاد رفته و بده

نیز به کار می برد. مثلاً میشان است نهود بگوید «بابا رفت» وی این عبارت

که برای بزرگسالان لا اقل از دو جز میشی می شد است برای نهود بجزیره

نیز دنام این مرافق علمه ناینده ای که میگویند می واحد است.

کم کم نردن متروع به بجزیره و ترکیب موارد اولیه ای می نزد ره قبلاً امروخته ا
 عرب اساس اگر ممکنی که یار و رفته ترکیبات نازه به و محرمی اور در این پرده
 ترکیب سازی نام دارد و قبلاً آن چنین گزینی را در زبان اموزنی نودن اعماقی
 با مفعایت می نهاد لغت نه نردن اولین قرینه سازی خود را چه وقت آغاز فیلم
 و یا این که چیزی این کار را انجام می دهد وی از روی قرینه سازی کمکی کند از
 مهدوی آن نذر از نهاد می نهاد لغت نه نودن از روی اندیشه قرینه ای به این کا

دست زده است.

ستینه سند است که نودن به مفهومی لغته است «نوسترا ای». اینچه
 مسلم است نودن این ملمه را از صحیح سنت است که آن را علیه نهاد. علیه
 آن را از خود را ساخته است. در حقیقت نودن ملمه "نوسترا ای" را از روی اندیشه
 "از نوایی" ساخته است. نودن دلیری می لغت "سو خدم" به جای سو خدم
 و "مامان غذا می بخشد" به جای مامان غذا می بخشد. بهین گویند نودن
 رفته رفته اندیشه ای را خود را استنتاج می نزد و از روی آن ۲ حملات
 که صریح نستینه می سازد را به هارونی برد. البته نردن در این کار دهار است
 زیدی می شود که بعضی از آن ۲ به دلیل اطرافیان اصلاح می شود.

مرصدی هشتم: نوروز زبان اموزش

می توان لغت نهادن بود که طبع درس می چهارم را تشنگی می بینند و مادری خود

تقریباً مجهز شده است. در این می بود که دستگاه صورت زبان خود مسلط شده است

و اگرچه این دستوری آن را بپوشاند به کاری برد: به عبارت دیگر بود که هسته ای از این

زبان خود مسلط شده است. انتبه همچو وقایت بخوبی نتوان لغت نهادن باید این را زبان پسر

می گردد، ولی اینچه مسلم است هر چه می بود که زیاد شود، فیلان زبان اموز

در او کاهش نماید. لازماً باید این دستگاه دستوری و دستگاه صورتی زبان خود را

در خود سالم باید گیریم، تغییرات باید این را دستوری زبان در بزرگسالی

بسیار بند تراست. ولی آن حینه ای زبان نهادن باید این مایه هرگز موقوف شود

و نا رفز مرگ از این باید، باید این را زبان اموز است. زیرا ما هر روز با همی

نمازه آئندی می گیریم و ناچاریم برای آن که و از هر چهار گزه باید گیریم.

ظاهری سلطنت

که در زندگی روزمره مانندی می گذارد و ما برای گذران معمولی ضرر

ماید نام آن که را بایموزیم و در سارهای آن که محبت نییم.

اگرچه سهم بیرون مادر و پسر را در اموزش زبان نهادن

پیا ریسم است و آن را در سه درس در تلفیف و برداش زبان فاصل توجه کنید
 با ده درس کوکیت اعجم زبان خود را از دوران مهیا خود را بارگیرید
 آن قدر که مادر کوکیت برگفته ای هم بازی کی فوراً همین قدر دیگر نیست
 پدر و عاشر خود این همین دیگر نیست؛ آن قدر که مادر قدر سه از هم سایر را
 خود زبان می آموزیم از معلم خود زبان یاری می کنیم. بنابراین مثلین
 هر چند روزه سال در حقیقت مهد را انتقال می راند زبان چامعه از
 برگشتم می خواهد و این را برگشتم می خواهد و این را برگشتم می خواهد
 پس از میان این این

نحو

نحویان را می بینیم: ۱- چون زیرا برابر با مفضل در درس نهاد

نهاده شده است و خوب بخواهید.

معنی این: الف: کار خود را زبان در نظر بگیر، این اندیشه ایم که این را می خواهیم
 بمعنی ب: زبان دلخواه، خود را فرماییم، نظر آنکه
 می خواهیم بگشیم که دلخواه خود را از هر این نفوس می خواهیم
 طیع نماییم.

برای تفصیل در سه اشی دیگر شیخی توجه فرمید و همین مقدمه را در

بریدن خواهید.

آنرا در سه درس دوست و دوست داشتند و همین دوست و دوست داشتند

